

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۶۵

جمعه ۲۸ خرداد ۱۳۹۵، ۱۷ ژوئن ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

مسئول جان و سلامت جعفر عظیم زاده
جمهوری اسلامی است

وقتی احساسات حکومت جریحه دار میشود!

بمب بیکاران

صفحه ۵

اطلاعیه چهار تشکل کارگری

علیه شلاق و بی حقوقی کارگران در ایران!

احکام زندان و شلاق فعالین کارگری و معلمان
را متوقف کنید

صفحه ۲

جنایت تروریسم اسلامی در اورلندا را

قاطعانه محکوم میکنیم!

صفحه ۸

بیانیه جمعی چهره های بین المللی، اساتید

دانشگاه و فعالین سیاسی و اجتماعی

در همبستگی با کارگران در ایران

صفحه ۹

در پاسخ به فراخوان کمک مالی به حزب

صفحه ۷

روز حمایت از زندانیان سیاسی روز محکومیت جهانی جمهوری اسلامی است!

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی

اعتصاب و تظاهرات، تشکل و
تحرز جزو بدیهی ترین حقوق مردم
است و وجود زندان و زندانی سیاسی
در ایران و در هر جامعه ای نشانه
نقض صریح این حقوق و آزادیهای
پایه ای است.
صفحه ۲

زندان افتاده اند باید آزاد بشوند بلکه
مقوله و پدیده زندان و زندانی سیاسی
باید از جامعه جارو شده و به موزه
تاریخ سپرده شود. آزادی بی قید و
شرط عقیده، بیان، مطبوعات،
اجتماعات، نقد و طنز، اعتراض و

بیستم ژوئن روز جهانی دفاع از
زندانیان سیاسی در ایران است. این
روزی است که باید با صدای بلند در
همه جای جهان خواست آزادی فوری
زندانیان سیاسی را فریاد زد. نه تنها
همه کسانی که به دلایل سیاسی به



آزادی زندانیان سیاسی با خواست مشخص لغو
اتهام "اخلال در نظم و امنیت ملی"

شهلا دانشفر

صفحه ۲

رژیم تاوان جنایات تروریستی را چگونه باید بپردازد؟

گفتگو با علی جوادی

صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

یک قتل عام تروریستی و یک دنیا تحلیل

کیوان جاوید

صفحه ۹

کنگره جهانی علیه اعدام و بررسی چند پرونده
ریحانه جباری، پروانه جلالیان، سامان نسیم، رضا حسینی

صفحه ۱۰

روز حمایت از زندانیان سیاسی

روز محکومیت جهانی جمهوری اسلامی است!

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی

از صفحه ۱

که بیانیه مشترک اعلام میکند باید از پرونده‌ها حذف بشود. این خواست مشخص و در عین حال پایه‌ای است که مستقیماً در خدمت آزادی زندانیان سیاسی قرار دارد. امسال در روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی باید خواست غیر امنیتی کردن پرونده‌ها و آزادی همه زندانیان سیاسی را محور قرار داد و با تمام توان برای تحقق این هدف بمیدان آمد. روز سی خرداد را به روز محکومیت جهانی نظام سرکوب و ارباب جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

حمید تقوایی
۱۵ جون ۲۰۱۶

گرفته تا جنبش علیه اعدام و جنبش دفاع از زندانیان سیاسی، همیشه فعال و پر جنب و جوش بوده اند و نظام موجود را در ابعاد و عرصه‌های مختلف بچالش کشیده اند. بویژه امروز جنبش کارگری نقش فعال و پیشروئی در مقابله با حکومت اسلامی سرمایه ایفا میکند. خواست اساسی حذف اتهامات امنیتی از پرونده فعالین جنبش کارگری و جنبش معلمان که در بیانیه مشترک عظیم زاده - عبدی مطرح شده است، در واقع خواست همه فعالین جنبش‌های حق طلبانه و همه فعالین سیاسی است که به اتهام پوچ اقدام "علیه امنیت ملی" بازداشت شده اند. این اتهام همانطور

جرم سیاسی محسوب میشود. در طول حیات ننگین این حکومت صد ها هزار نفر به چنین جرمهائی بازداشت شده اند، شلاق خورده اند، بزندان افتاده اند و یا اعدام شده اند. روز حمایت از زندانیان سیاسی روز بچالش کشیدن کل این بساط جنایت و سبوعیت است. جمهوری اسلامی بر دریائی از نفرت مردم حکومت میکند و برای بقای خود نیازمند سرکوب و توحش است اما هیچگاه نتوانسته است جامعه را به تمکین و سکوت بکشانند. جنبش کارگری، جنبش رهائی زن، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان و ده ها جنبش اعتراضی دیگر، از دفاع از حقوق کودکان

عیار جنایت و آدمکشی است که بجز ارباب جامعه با توسل به قوانین عشیرتی - قبیله ای عصر برده داری و سرکوب هر نوع حق طلبی و آزادی خواهی کارکرد دیگری ندارد. در این رژیم اتهام "فعالیت علیه نظام" و "اخلال در امنیت کشور" تا سطح ابتدائی ترین و شخصی ترین حقوق مردم، مثل جشن و شادی و معاشرت آزادانه زن و مرد و بی حجابی و آزادی پوشش و عدم تمکین به آپارتاید جنسی و اخلاقیات و مقدسات پوسیده حکومتی، بسط داده شده است. در جمهوری اسلامی نفس آزادگی و زندگی شاد و مدرن و متمدنانه انسانی "اقدام علیه امنیت ملی" و

جمهوری اسلامی تنها رژیم پامال کننده آزادیها نیست اما در توحش و جنایت سرآمد همه دیکتاتوریهائی معاصر است. روز سی خرداد خود نماد توحش و شقاوتی است که این حکومت نزدیک به چهار دهه است بر جامعه تحمیل کرده است. زیر سلطه سپاه جمهوری اسلامی هر انتقاد و اعتراض و هر فعالیتی در دفاع از ابتدائی ترین حقوق کارگران و معلمان و زنان و جوانان و بخشهای مختلف جامعه با بازداشت و زندان و شلاق و اعدام پاسخ میگردد. سیستم قضائی جمهوری اسلامی یک دستگاه تمام

اطلاعیه چهار تشکل کارگری علیه شلاق و بی حقوقی کارگران در ایران!

احکام زندان و شلاق فعالین کارگری و معلمان را متوقف کنید

اختلاف دسته جمعی و حتی اعتصاب در محیط کار را، برخلاف تصور برخی ها که در پی بروز این امر به دنبال عوامل سیاسی و امنیتی می گردند، آن را جزو طبیعت محیط کار و روابط کارگر و کارفرما می داند و حل این گونه مسایل در محیط کار را به هیات های تشخیص و مراجع حل اختلاف (موضوع ماده ۱۵۷) محول گردانیده است، نه قوه قضاییه.

ما کارگران و تشکلهای کارگری امضا کننده این بیانیه ضمن اینکه همه کارگران را به اتحاد و همبستگی برای ایجاد تشکل مستقل سراسری کارگران فرامی خوانیم، صدور و اجرای احکام زندان و شلاق برای فعالین کارگری و معلمان را قویا محکوم می کنیم و خواستار لغو هر چه سریع تر این احکام می باشیم و همراه و همسو با دیگر فعالین کارگری و معلمین خواهان برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده فعالین صنفی هستیم.

خرداد ماه ۱۳۹۵

انجمن صنفی کارگران چادرملو (آسفالت طوس)

انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان

انجمن صنفی کارگران خیازی های سندرچ و حومه

انجمن صنفی کارگران خیازی های مریوان و سروآباد

گشته اند و یا جان خود را از داده اند.

در چنین شرایطی است که اواخر اردیبهشت ماه احکام شلاق، زندان و جریمه ۱۷ تن از کارگران معدن طلائی آق دره که در سال ۱۳۶۳ در اعتراض به اخراج و عدم تمدید قراردادهاشان از سوی کارفرما، همراه با ۳۵۰ نفر دیگر از کارگران اقدام به تجمع و اعتصاب کرده بودند؛ به اجرا درآمد. هنوز از شوک اجرای احکام شلاق کارگران آق دره بیرون نیامده بودیم که قوه قضاییه در شهر بافق ۹ نفر از کارگران معدن سنگ آهن این شهر را که در جریان تجمعات و اعتصابات این معدن در سال ۹۳ که به خصوصی سازی و اخراج کارگران، معترض بودند، به زندان و شلاق محکوم کرد. صدور و اجرای چنین احکام غیر انسانی برای کارگرانی که تنها خواستار ابتدائی ترین حقوق خود هستند، اولین بار نیست که از سوی دادگاه های عمومی و انقلاب صادر می گردد، در جریان اعتراضات گسترده و سراسری معلمان طی دو سال اخیر تعدادی از معلمان به زندان محکوم گردیدند، ۵ نفر از کارگران معدن چادرملو در پی اعتراض این کارگران به شلاق و زندان محکوم شدند، همچنین در احکام مشابهی دادگاه عمومی (جزایی) بندر امام خمینی برای ۸ نفر از کارگران معترض پتروشیمی رازی حکم زندان و شلاق صادر نمود. احکام زندان و شلاق بیشتر این کارگران به دلیل نداشتن سابقه محکومیت قبلی به حالت تعلیق درآمدند است. برخورد های تند قضایی با فعالین کارگری و معلمین در حالی است که ماده ۱۴۲ قانون کار بروز

کارگران، مردم شریف ایران!

روزهای پایانی خرداد ماه برای کارگران و مزدبگیران در حالی به سختی سپری می شود که کماکان روند اخراج سازی ها رو به افزایش است. بیکاری به معضلی بزرگ برای آحاد مردم بویژه خانواده های کارگری بدل گشته که عواقب منفی آن را در جامعه روزانه در اخبار و جراید مشاهده می نماییم. افزون بر آن گرانی و تورم حاکم، با وجود دستمزدهای ۸۱۲۰۰۰ تومانی زندگی اکثر کارگران و مزدبگیران را تحت الشعاع قرار داده، به گونه ای که این دستمزدها حتی درصد ناچیزی از هزینه های یک خانوار چهار نفره اعم از خوراک، پوشاک، آموزش، بهداشت و درمان، مسکن و ... را تامین نمی نماید.

در چنین شرایط ناگواری بسیاری از کارگران در کارگاه ها، کارخانه ها، معادن، میادین نفت و گاز و ... معوقات مزدی خود را از کارفرما طلب دارند. بسیاری از کارگران شاغل در معادن کشور همچنان به شرایط سخت کاری خود، پایین بودن سطح دستمزدها، قراردادهای موقت، وجود شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و ... معترض هستند. دستمزد کارگران خباز در سراسر ایران حدود دو سال است که افزایش پیدا نکرده است. کارگران ساختمانی در شرایطی مشمول بسیاری از قوانین کار نمی شوند که سالانه تعداد زیادی از آنان به دلیل عدم امنیت جانی در محیط های کار قربانی سودپرستی صاحبان کار می شوند که متأسفانه در بسیاری از این حوادث این کارگران یا نقص عضو

آزادی زندانیان سیاسی با خواست مشخص لغو اتهام "اخلال در نظم و امنیت ملی"

شهلا دانشفر

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات مردم تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی" با خواست مشخص لغو کلیه پرونده های مفتوحه برای کارگران، معلمان، و تمامی فعالین سیاسی با بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری و اسماعیل عبیدی از رهبران اعتراضات معلمان از زندان و در آستانه اول مه آغاز شد و با موجی از حمایت از داخل ایران و در سطح بین المللی پاسخ گرفت و همچنان ادامه دارد.

موضوع این کارزار و ابعاد اجتماعی آن، فاکتور مهمی شد که به جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، تحرك جدیدی داد. دلیلش نیز به روشنی اینست که هم اکنون بسیاری از فعالین کارگری، معلمان و اکتیویست های اجتماعی و سیاسی با اتهامات امنیتی ای چون اخلال در نظم و امنیت ملی، اغتشاش و توهین به رهبر و مقدسات و.. در زندانند و یا تحت پیگرد قرار دارند. و این اتفاقی است که در طول حیات رژیم اسلامی همواره با آن مواجه بوده ایم. از همین رو خواست جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی مبنی بر لغو پرونده های مفتوحه تحت عنوان اتهامات امنیتی چون اخلال در نظم و امنیت ملی برای کارگران، معلمان و کلیه فعالین سیاسی، بطور واقعی یک خواست مشخص در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است و کارزاری که بر سر این خواست به راه افتاده است، ابعاد نسبتا گسترده ای پیدا کرده است.

سیستم قضایی جمهوری اسلامی بر اساس اینگونه اتهامات بی وقفه علیه فعالین کارگری، معلمان و در قبال هر اعتراضی در جامعه، حکم صادر میکند تا جلوی هر نوع فعالیت برای ایجاد تشکل، برپایی تجمع اعتراضی، آزادی بیان، گرامیداشت روز جهانی کارگر و غیره را بگیرد. از جمله تنها در سال گذشته صدها کارگر و معلم با این اتهامات به زندان افتاده و یا برایشان پرونده تشکیل شده است. جعفر عظیم زاده از رهبران طومار ۴۰ هزار

امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها، بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران و کل جامعه و با اتهاماتی از همین دست با ۶ سال حکم در زندان است.

بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی از فعالین کارگری، علیرضا هاشمی از معلمان معترض در کنار شمار بسیار دیگری از فعالین سیاسی نیز با احکامی از همین دست اکنون در بازداشت بسر میبرند. تعدادی از فعالین کارگری و معلمان معترض نیز چون اسماعیل عبیدی، محمود بهشتی، مهدی بهلولی و محمد نیک نژاد از معلمان معترض و محمود صالحی، داود رضوی، رضا شهابی، جمیل محمدی، عثمان اسماعیلی از جمله کسانی هستند که تحت همین عناوین حکم زندان دارند.

بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی و کارزاری که بدنبال آن در جریان است در واقع کيفرخواست کارگران زندانی، معلمان دریند و همه زندانیان سیاسی است که بخاطر مبارزات برحقشان برای داشتن يك زندگی آزاد، برابر و انسانی، با اتهاماتی این چنینی تحت پیگرد قرار گرفته و احکام سنگین زندان گرفته اند. و تلاشی است برای نقطه پایان گذاشتن بر این گونه سرکوبگرها. به این اعتبار این کارزار در دفاع از حقوق سیاسی پایه ای جامعه چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و آزادی بیان است و بطور واقعی اعتراضی به امنیتی کردن مبارزه علیه زندگی زیر خط فقر و برای يك زندگی انسانی است.

بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی با موجی از حمایت در ایران و در جهان روبرو شد. در این کارزار تشکلهای کارگری و رهبران کارگری بیانیه دادند و سخن گفتند. از جمله چهره های شناخته شده کارگری و معلمان معترض در بیانیه های پرشور خود در حمایت از خواسته های جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی جایگاه واقعی وارد کردن اتهامات امنیتی بر مبارزات مردم معترض را بیان کردند. آنها در

بیانیه های حمایتی خود وارونگی سرمایه داری حاکم را به چالش کشیده و اعلام کردند که این سرمایه داران هستند که بخاطر تحمیل فقر و فلاکت و نپرداختن ب موقع دستمزدها و تبدیل محیط های کار به قتل گاه کارگران و... باید محاکمه شوند و نه کارگران که خواستشان داشتن يك زندگی انسانی است. از جمله پروین محمدی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد و چهره شناخته شده کارگری در نوشته ای در دفاع از بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی مینویسد:

"تمامی این خواسته های ابتدایی و بدیهی بشر امروز، جرم های ۹۹ درصدی هاست که امنیت و خواب و آسایش يك درصدی ها را به خطر انداخته است. پر واضح است که از طرف يك درصدی ها، بمنظور پایین نگه داشتن مزد و جلوگیری از تعرض اکثریت جامعه، جرم "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" بگونه ای وارونه تعریف و بعنوان کيفرخواست برای به جس کشیدن و خاموش کردن صدای ۹۹ درصدی ها بکار رود."

همچنین جوانمیر مرادی یکی دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد و رهبران کارگری در نوشته ای در اعتراض به دستگیری جعفر عظیم زاده مینویسد:

"امنیتی که کارگران معترض به جرم به خطر انداختنشان بازداشت، محاکمه و زندانی می شوند، چیزی جز تعرض به منافع سرمایه داران و به هم خوردن آرامش آنها و فضائی که بتوانند کارگران را به وحشیانه ترین و قرون وسطائی ترین شیوه تحت فشار گذاشته و مورد بهره کشی قرار دهند، نیست. اگر غیر از این بود این کارگران هستند که به عنوان تولیدکنندگان و اکثریت انسانهای جامعه می بایست از هر حیث از امنیت برخوردار می بودند." اینها همه ابعاد اجتماعی و سیاسی کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات مردم تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی" و جایگاه آن در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را به روشنی بیان میکنند. و

این حقیقتی است که از زبان سران این حکومت نیز میشنویم. يك مثال بارز آن گفته اخیر محسن اژه ای جلا، معاون اول قوه قضایی جمهوری اسلامی در عکس العمل به کارزار علیه امنیتی کردن اعتراضات مردم است. او در گفتگویی با ایلنا در همین هفته میگوید: "وقتی اعتراضات کارگری تبدیل به "خسارت اجتماعی و جرم" شد، نباید توقع داشت که دستگاه قضایی وارد نشود."

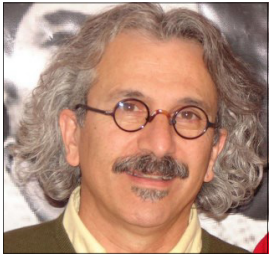
مصادیق خسارت اجتماعی از منظر اژه ای جنایتکار و دستگاه قضایی سرکوب جمهوری اسلامی، تلاش برای ایجاد تشکل، برپایی اعتصاب و تجمع برای گرفتن حق و حقوق خود، برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، اعتراض علیه قوانین ارتجاعی اسلامی، و... اینها همه حقوق پایه ای است که کارگران و مردم از برخورداری از آن محرومند و در جمهوری اسلامی از ممنوعات است و تحت عناوینی چون اخلال در نظم و امنیت ملی و خسارت اجتماعی و غیره جرم محسوب شده و با حکم زندان پاسخ میگردد. تحت همین عناوین طی حاکمیت رژیم اسلامی بسیاری از کارگران، معلمان و فعالین سیاسی احکام زندان گرفته و تحت پیگرد و آزار و شکنجه قرار گرفته اند. و این همان موضوعی است که مورد اعتراض بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی است.

اوضاع سیاسی امروز و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در جامعه ای که يك جنگ نابرابر میان مردم و رژیم در جریان است، يك عرصه مهم نبرد مردم با رژیم، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است. و مردم امروز بیش از هر وقت میدانند که زندان یعنی سرکوب اعتراضات برحق آنها و طبعاً خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی هر روز بیشتر به خواست بخش های وسیعتری از جامعه تبدیل میشود. از همین رو در سالهای اخیر مبارزه حول خواست آزادی زندانیان سیاسی ابعاد گسترده تری به خود گرفته است. از جمله برخورد مردم به

دستگیری های جاری نیز متفاوت تر شده است. ما شاهد اینیم که هر دستگیری ای فوراً با چنان واکنش اعتراضی روبرو میشود که در اکثر مواقع به عقب نشینی و استیصال رژیم منجر میشود. بویژه در برخورد به فعالین کارگری ای که در جریان اعتراضات جاری دستگیر میشوند، خیلی اوقات دیده ایم که آنها را بیش از چندین ساعت نگاه نداشته و بعد از اعتراضات همکاران و خانواده و دوستانشان ناگزیر شده اند که فوراً آزادشان کنند. و مردم امروز بیش از هر وقت میدانند که زندان یعنی سرکوب اعتراضات برحق آنها و طبعاً خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی هر روز بیشتر به خواست بخش های وسیعتری از جامعه تبدیل میشود.

همچنین امروز شاهد تحرك بیشتری نیز در میان خانواده های زندانیان سیاسی هستیم. به این معنی که اگر قبلاً بسیاری از این خانواده ها به خاطر اینکه خود را تنها و در انزوا میدیدند، و ناگزیر بودند به راه حلهای فردی متوسل شوند و با مراجعات فردی شان به زندان ها تلاش در گرفتن ملاقات و طی شدن مراحل قانونی پرونده عزیزانشان داشتند و عملاً گرفتار دست اندازهای قانونی جمهوری اسلامی میشدند، اکنون مبینیم که آنها نیز خود را تنها نمی بینند و صدای اعتراضشان را رو به جامعه بلند میکنند و در پیشاپیش این اعتراضات قرار میگیرند. از جمله طی همین چند ساله اخیر دیده ایم که چگونه همسران این کارگران به نهادهای بین المللی نامه دادند، از مردم و همه انسانهای آزادیخواه طلب یاری کردند و در شکل دادن به اعتراضی گسترده حول این دستگیری ها نقش داشتند. آخرین نمونه دستگیری جعفر عظیم زاده و نقش پیشرو همسرش خانم اکرم رحیم پور در اطلاع رسانی به جامعه و حمایت از خواسته های جعفر است.

از سوی دیگر اعتراض و مبارزه در داخل خود زندان است. ما شاهد



رژیم تاوان جنایات تروریستی را چگونه باید پردازد؟

گفتگو با علی جوادی

و آن محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران است.

انترناسیونال: امسال ضابطه شده توسط این دادگاهها متعلق به کیست؟

علی جوادی: این اموال متعلق به مردم ایران است که باید به دولت منتخب مردم در فرادای سرنگونی رژیم اسلامی عودت داده شود. هر گونه دخل و تصرف و بهره جویی در این اموال عملاً اقدامی علیه اموال مردم ایران است.

انترناسیونال: چه کسانی باید تاوان جنایت های رژیم را بپردازند؟

علی جوادی: مسلمانا تاوان جنایت های رژیم اسلامی را باید از سران رژیم اسلامی و دست اندر کاران این دستگاه ترور و آدمکشی بپردازند. اما سرنوشته قربانیان تروریسم اسلامی در خارج از جغرافیای ایران به درجات زیادی به سرنوشته قربانیان رژیم اسلامی در ایران گره خورده است. با تعیین تکلیف با رژیم اسلامی در ایران به این مساله هم باید پرداخت.

اما هیچ میزان غرامتی این عزیزان را به ما برنخواهد گرداند و جای خالیشان را پر نخواهد کرد. حفره های ایجاد شده در قلبهای این عزیزان را نمیتوان با غرامت مالی پر کرد.

انترناسیونال: با اموال رژیم در خارج از کشور چه باید کرد؟

علی جوادی: ما در عین حال که برای سرنگونی رژیم اسلامی تلاش میکنیم در عین حال مخالف سر سخت هر گونه تحریم اقتصادی هستیم. قربانیان تحریم اقتصادی مردم عادی اند. تحریم اقتصادی يك سلاح کشتار دسته جمعی است. مستقل از تاثیر آن بر ثبات و یا بی ثباتی رژیم اسلامی، نظر به تاثیرات مخرب آن بر زندگی توده های مردم

بلای اجتماعی باید جوامعی باز و آزاد و شاد و مرفه و برابر به جای جوامع کنونی مستقر کرد. برای پایان دادن به تروریسم اسلامی باید به تبعیض و نابرابری و ستم پایان داد. باید به طور ریشه ای به جنگ هر ایدئولوژی و تفکری رفت که نافی و ناقض برابری و آزادی آحاد جامعه است. برای پایان دادن به تروریسم اسلامی باید به حمایت از دولتتها و جریانهای اسلامی پایان داد. برای پایان دادن به تروریسم اسلامی باید به تقسیم جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی به خوش خیم و بد خیم پایان داد. و بالاخره برای پایان دادن به تروریسم اسلامی باید به حل عادلانه مساله فلسطین دست یافت. باید حقوق حقه مردم فلسطین را برسمیت شناخت و به جنگ و قلدری میلیتاریستی پایان داد. برای پایان دادن به تروریسم اسلامی باید به تروریسم دولتی هم پایان داد. این نیروها دو روی يك سکه اند.

انترناسیونال: برای حمایت از قربانیان عملیات تروریستی جمهوری اسلامی چه باید کرد؟

علی جوادی: حیاتی ترین اقدام در حمایت از قربانیان عملیات تروریستی حکومت اسلامی گسترش همه جانبه جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم اسلامی است. هر روز حیات این رژیم مترادف است با فقر و فلاکت و محرومیت و تباهی جسمی و روحی میلیونها انسان کارکن و زحمتکش. سرنگونی رژیم اسلامی در پس يك انقلاب توده ای اصلی ترین حمایت از قربانیان عملیات تروریستی حکومت اسلامی است.

روزی که رژیم اسلامی سرنگون شود ما یاد تك تك این عزیزان و قربانیان تروریسم اسلامی را گرمی خواهیم داشت. بنای یاد بود این عزیزان نام تك تك شان را حك شده بر خود خواهد داشت.

اما تلاش برای سازمان دادن به يك اقدام بین المللی تا رسیدن به آن روز شیرین میتواند در دستور قرار گیرد

اند، قربانیان تروریسم اسلامی هزاران هزار مردمی هستند که به جرم حق طلبی و آزادیخواهی به دست نیروهای متفاوت اسلامی به خاک و خون کشیده شده اند. اگر غرامتی باید پرداخت شود باید به خانواده های قربانیان اصلی تروریسم اسلامی داده شود. اگر غرامتی باید پرداخت شود باید به خانواده های اعدام شدگان در ایران داده شود. اگر غرامتی باید پرداخت شود...!

انترناسیونال: این اقدامات به معنی دخالت جمهوری اسلامی در عملیات تروریستی است، اما آیا دامنه عملیات تروریستی رژیم به همین حد محدود میشود؟ برای پایان دادن به این اقدامات چه باید کرد؟

علی جوادی: بهیچوجه، نقطه تمرکز عملیات تروریستی رژیم اسلامی را باید در عملکرد روزمره این جنبش تروریستی در ایران و سایر جوامع اسلام زده جستجو کرد. قربانیان عملیات تروریسم اسلامی مردمی هستند که تحت حاکمیت این نیروها به فقر و فلاکت و محرومیت و ناامیدی محکوم به زندگی شده اند. قربانیان تروریسم اسلامی خانواده های ۱۲۰ هزار اعدامی رژیم اسلامی اند که در قتل عامهای سالهای ۶۰ و ۶۷ و پس از آن به جوخه های اعدام و طناب دار سپرده شدند. قربانیان تروریسم اسلامی زنانی اند که سنگسار شده اند، مردانی هستند که از این نیروهای آدمکش شلاق خورده اند. قربانیان تروریسم اسلامی کودکانی هستند که از خوشی و شادی و بازی محروم شده اند. قربانیان تروریسم اسلامی کارگرانی هستند در اعتراض به بی حقوقی شان به گلرله بسته شدند، شکنجه شدند و در ملاء عام شلاق خوردند.

اما برای پایان دادن به تروریسم اسلامی باید دولتتهای اسلامی و مشخصاً رژیم اسلامی در ایران را سرنگون کرد. برای پایان دادن به تروریسم و خشکاندن ریشه های این

آمریکا در بیروت نیست. در آمریکا نیروهای نظامی از کار کنار گذاشته شده و یا از کار افتاده خود عمدتاً در زمره محرومین و مجروحین جنگی هستند. بخشی از آنها در صف بی خانمان ها هستند. بسیاری از آنها مبتلا به انواع بیماریهای روانی ناشی از جنگها و جنایات میلیتاریستی اند. عمدتاً انسانهایی از صفوف کارگران و مردم زحمتکش هستند که بورژوازی حاکم برای تحت انقیاد نگهداشتن طبقات محروم جامعه و پاسداری از منافع اقتصادی و اجتماعی طبقه سرمایه داری حاکم آنها را اجیر کرده است. و زمانیکه ارزش مصرفشان به پایان میرسد آنها را به گوشه ای در جامعه پرتاب میکنند.

از نقطه نظر هر انسان منصف و عادل، عاملین و مسببین کشته شدن این افراد، کل ماشین نظامی و جنگی آمریکا است که پر و بال نظامی و قلدری و زورگویی خود را در هر گوشه ای از جهان به حرکت در آورده است. از نقطه نظر ما عاملین این کشتار نیروهای تروریسم اسلامی اند که ترور و آدمکشی ابزار پیشروی سیاست کور و ضد انسانی شان است. نه تفنگداران نیروی دریایی آمریکا برای انجام عملیات "خبرخوانانه" و "انساندوستانه" به لبنان اعزام شده بودند و نه دستجات تروریستی اسلامی عامل این انفجار ذره ای "انسانیت" و "خبرخواهی" در این اقدام خود دنبال میکردند. در هر دو سوی این تقابل نیروهای ارتجاعی و تروریستی قرار دارند که هر کدام به درجات متفاوت مسبب کشتارها و قتل عامهای خونینی در طول تاریخ بشری بوده اند و هستند.

اما قربانیان اصلی و درجه اول این جدال تروریستی عادی ترین مردم عادی اند. انسانهایی که کوچکترین سهمی در شکل دادن به این وضعیت و یا منفعتی در تداوم این جدال خونین ندارند. قربانیان میلیتاریسم هزاران هزار مردمی هستند که در زیر بمبارانهای وحشیانه جان خود را از دست داده

انترناسیونال: اوایل ماه گذشته دیوان عالی آمریکا رای به پرداخت ۲ میلیارد دلار از دارایی های مسدود شده ایران برای پرداخت غرامت به خانواده های آمریکائیان کشته شده در حمله به پایگاه تفنگداران دریایی آمریکا در بیروت در سال ۱۹۸۳ داد. در روزهای اخیر يك دادگاه کانادایی رای داد که ۱۳ میلیون دلار از محل دارایی های ایران به قربانیان حملات حزب الله و حماس، پرداخت شود. نظر شما در این مورد چیست؟

علی جوادی: اجازه دهید قبل از اینکه به حکم این دادگاه عالی در آمریکا بپردازیم به نقش و جاگاه دستگاه قضایی در جامعه آمریکا و کل جوامع طبقاتی حاکم اشاره مختصری داشته باشم. بر خلاف تبلیغات و توهمات رایج در جوامع موجود، دستگاه قضایی در این جوامع بطور واقعی دارای استقلال سیاسی و اجتماعی از کل نظام حاکم نیست. نسبت به منافع و مصالح این نظامهای طبقاتی کور و بی تفاوت نیست. کلاسیسم قضایی و مفهوم عدالت و قضاوت در این جوامع انعکاس و تابعی از مناسبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر این جوامع است. دستگاه قضایی در این جوامع در کنار دستگاه سرکوب، ارتش و پلیس و نیروهای نظامی و امنیتی، بخشی از روینای سیاسی نظام حاکم و حافظ منافع طبقه و نظام حاکم است. استقلال ظاهری حقوقی این دستگاه پوششی برای رسالت و ماهیت واقعی این دستگاه است.

از این رو رای دادگاه عالی آمریکا، اقدامی در جهت کمک و همیاری با قربانیان يك فاجعه تروریستی نیست. يك رای و قضاوت سیاسی است. گوشه ای از سیاست هیات حاکمه این کشور در تقابل با تروریسم اسلامی و مشخصاً حکومت اسلامی در ایران است. اقدامی در همبستگی با قربانیان انفجار پایگاه تفنگداران دریایی

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

مسئول جان و سلامت جعفر عظیم زاده جمهوری اسلامی است

اتحادیه آزاد کارگران ایران در اطلاعیه‌ای تحت عنوان "جعفر عظیم زاده در وضعیت جدال با مرگ است" اعلام کرده است که مسئول این وضعیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی است. در این اطلاعیه آمده است که گرچه جعفر عظیم زاده و اعضا و فعالین اتحادیه اعتصاب غذا را روش مناسبی برای اعتراض نمیدانند اما "دست زدن زندانی به اقدامی مانند اعتصاب غذا برای بیان اعتراض، قبل از هر چیز بیانگر وجود سیستم و فضائی مستبدانه و متعلق به دوران بربریت است که امروز به عنوان يك عقب گرد در دنیای مدرن قرن بیست و یکمی در راستای حفاظت از سرمایه داری ضرورت یافته است. فقط در چنین فضائی که به شیوه‌های متناسب با دنیای مدرن ... امکان اعتراض نیست، زندانی ناچار به خود زنی و نابود کردن خود می‌شود".

تردید نیست که زندانی سیاسی آلترناتیو چندانی برای اعتراض ندارد اما در این شرایط مهمترین وظیفه فعالین و حامیان بیانیه مشترک عظیم-زاده عبدی بسیج نیرو و دامن زدن به مبارزه به شیوه‌های تعرضی و مدرن و اجتماعی نظیر انتشار بیانیه‌ها و

طومارهای حمایتی و تجمع و تحصن و دیگر شیوه‌های امروزی اعتراض و مبارزه است. کمپین چهل هزار امضا يك نمونه موفق فعالیت جعفر عظیم زاده و اتحادیه آزاد در مبارزه برای افزایش دستمزدها است که میتواند الگوی فعالیت و مبارزه اجتماعی در حمایت از بیانیه مشترک نیز باشد. تنها راه پایان دادن موفقیت آمیز به اعتصاب غذا دامن زدن به چنین خواستها و اهداف بیانیه مشترک است. خود جعفر عظیم زاده میتواند با فراخوان به این اعتراضات و ختم اعتصاب غذا

در راس این حرکت قرار بگیرد و مبارزه در دفاع از فعالین کارگری و جنبش معلمان و کلیه زندانیان سیاسی را يك گام دیگر جلو سوق بدهد.

اما تا زمانی که اعتصاب غذا ادامه دارد، همانطور که اتحادیه تاکید میکند مسئول وضعیتی که برای جعفر عظیم زاده پیش آمده است و خطری که جان و سلامت او را تهدید میکند، جمهوری اسلامی است.

جعفر عظیم زاده در اعتراض به نفی پایه‌ای ترین حقوق کارگران و معلمان و زندانیان دست به اعتصاب غذا زده است و مسئول جان و سلامتی او رژیم است که این حقوق بدیهی را از او و از میلیونها کارگر و معلم و توده مردم شریفی که جعفر عظیم زاده نمایندگی میکند سلب کرده است.

اطلاعیه اتحادیه آزاد بدرست اعلام میکند "تا امروز دستگاه قضائی از آزادی جعفر عظیم زاده خودداری نموده و به این ترتیب از پاسخگویی به

خواست صدها میلیون انسان در سراسر جهان سر باز زده است. جعفر عظیم زاده هم اکنون در شرایط بحرانی و کاملاً مخاطره آمیز قرار دارد و به معنای واقعی در حال جدال با مرگ است. بانی و مسؤل وضعیت جسمانی کنونی این زندانی، قوه قضائیه است و در صورت رخداد هر اتفاق ناگواری بی تردید شاهد وقوع طوفان اعتراضات خواهد بود".

این طوفان اعتراضی از هم اکنون در حال شکل گیری است: اعتراض علیه دستمزدهای يك چهارم خط فقر، علیه اتهامات امنیتی در پرونده فعالین، و برای آزادی تشکل و اعتراض و اعتصاب و دیگر خواستههای بیانیه مشترک. آزادی فوری و بی قید و شرط جعفر عظیم زاده و ختم اعتصاب غذای او میتواند و باید اولین دستاورد این مبارزه باشد.

بمب بیکاران

وقتی بیاد بیکاران می‌افتند بمب و خطر و تهدید برای "کشور" به ذهنشان می‌آید! کشور نام دیگری برای جیبهای گشاد آیت الله های میلیاردی است. نه کشور و جامعه، بلکه ثروت و موقعیت خودشان به خطر افتاده است.

از نقطه نظر توده نود و نه درصدی مردم، خطر و تهدید واقعی جمهوری اسلامی است. عامل و باعث و بانی فقر و بیکاری و بی‌تامین اقتصادی گسترده‌ای که در جامعه بیداد میکند حکومت اسلامی سرمایه داران است. شر این خطر را باید از سر جامعه کم کرد. دیر نیست روزی که بمب بیکاران کل این نظام را به هوا بفرستد!

"شش میلیون بیکار تحصیل کرده دانشگاهی، بمبی بزرگ و تهدیدی بزرگ برای کشور است".

یدالله طاهرزاده عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران بمب و تهدید برای چه کسی؟! برای مقامات حکومتی و یا برای بیکارانی که زیر بار فقر و بی‌تامینی زندگیشان تباہ شده است؟ از نظر حکومتی‌ها بیکاری نه يك مساله اقتصادی که زندگی میلیونها انسان را در معرض نابودی قرار داده است بلکه يك خطر سیاسی است که موجودیت رژیمشان را تهدید میکند! خودشان بر سر کارند و میدزدند و می‌چاپند و ثروشان از پارو بالا می‌رود اما

وقتی احساسات حکومت جریحه دار میشود!

دیگر حجاب برتر مورد تمسخر واقع می‌شود.

این آه و زاری از جریحه دار شدن احساسات مردم متدین و شکوه از تمسخر حجاب ویژه حزب الهی‌ها و مزدوران حکومتی نیست. خود ولی فقیه و امام جمعه‌ها و آیت الله‌های ریز و درشت نیز هر روز دارند از دست رفتن دین و مقدسات و هجمه فرهنگی و بی‌حجابی و غیره مینالند و بیکدیگر هشدار میدهند.

مشکل بی‌توجهی مسئولان نیست، اسلامی بودن مسئولان است. جوانان یزد احساسات حکومت را جریحه دار کرده‌اند! اسلام در حکومت است و اعمال ضد دین مردم يك عمل سیاسی علیه کل حکومت است. نفس شادی و زندگی و سرزندگی کلیت جمهوری اسلامی را بزیر سؤال میبرد و این یعنی سیاسی شدن جشن و شادی و سیاسی شدن موی سر زنان و سیاسی شدن معاشرت دختر و پسر و سیاسی شدن رقص و موزیک و لبخند و سیاسی شدن زندگی مدرن و قرن بیست و یکمی. امروز نه یزد و نه هیچ شهر دیگری در ایران "دارالعباده" نیست بلکه "دار الکفر" است! و این رویگردانی از مذهب علت و زمینه و مبنای سیاسی دارد. نزدیک چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی معنی واقعی اسلام و قوانین اسلامی را به همه مردم شناسانده است و اکثریت عظیم جامعه را از اسلام رویگردان کرده است. با سرنگونی جمهوری اسلامی، اسلام نیز از جامعه جارو خواهد شد.

در فیس بوک وسایتها ویدئوکلیپی از مراسم جشن پایان سال در يك مدرسه دخترانه در یزد منتشر شده که نشان میدهد دختران در پایان مراسم هورا میکشند و حجابهای خود را به هوا پرتاب میکنند. چنین اتفاقی در هر جای دیگر دنیا امری عادی بود و نظر کسی را به خود جلب نمیکرد. اما در جمهوری اسلامی برداشتن حجابها يك عمل اعتراضی است. همانطور که جشن و رقص و شادی يك اعتراض است. اینها ضربه به کيان اسلام و حکومت قرون وسطائی است که برای حفظ سلطه جهنمی خود به قوانین و اخلاقیات و مقدسات عهد عتیق اسلامی نیازمند است. همین چند هفته قبل ۳۵ نفر دختر و پسر را بجرم شرکت در جشن فارغ التحصیلی در قزوین "برای عبرت دیگران" شلاق زدند و کسی عبرت نگرفت! جوانان یزد با پرتاب حجابها در جشن پایان سال تحصیلی پاسخشان را میدهند. ظاهراً آخرالزمان جمهوری اسلامی فرارسیده است!

بدنبال پخش این ویدئو کلیپ وب سایت "یزد رسا" يك سایت محلی نزدیک به سپاه پاسداران می‌نویسد: "متأسفانه هر روز به دلیل بی‌توجهی مسوولان، عده‌ای با اعمال ضد دین خود آن هم در دارالعباده یزد احساسات مردم متدین را جریحه دار می‌کنند. يك روز زنان غیر مسلمان منبر و مسجد شیعه را وسیله تفریح خود قرار می‌دهند و روز

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

اعتراضات رانندگان شرکت واحد به انتخابات اجباری شورای اسلامی کار، اعتراضات متوالی کارگران شهرداری اهواز و دستگیری کارگران معدن طرزه همراه با خانواده ها، ادامه کارزار علیه احکام قرون وسطایی شلاق زنی، آمار تکان دهنده از درصد کارخانجات و معادن تعطیل شده و ادامه کارزار در دفاع از خواستهای جعفر عظیم زاده و حمایت از همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از جمله سرتیترهای مهم اخبار از محیط های کارگری و اعتراضات کارگران در هفته گذشته است.

رانندگان شرکت واحد در اعتراض به انتخابات برای شورای اسلامی کار

رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به انتخابات شورای اسلامی کار و جمع آوری رای اجباری از رانندگان، در این هفته تجمعاتی اعتراضی بر پا کردند. این اعتراضات ادامه دارد. در این رابطه کارگران شرکت واحد در سالهای گذشته نیز اعتراضاتی داشتند. جدال این کارگران با شوراهای اسلامی، این نهادهای دست ساز حکومتی جنالی قدیمی است. تاریخ آن به مقطع پاکبیری سنديکای شرکت واحد و اعتراضات این کارگران در سال ۸۴ بر میگردد که در جریان آن دارو دسته های چماق بدست شوراهای اسلامی به مجمع عمومی سنديکای واحد حمله ور شدند، تا جلوی جمع شدن و متشکل شدن این کارگران را بگیرند. اما کارگران واحد با بازسازی سنديکای خود و مبارزات با شکوهشان در آن سال جواب اوباشان شورای اسلامی و اتفاقات سال ۸۴ و اعتصاب با شکوه کارگران سنديکای واحد در آن سال که نقطه عطفی در جنبش اعتراضی کارگری در آن مقطع بود، رژیم اسلامی که خود را بازنده میدید، با دستگیری رهبران

سنديکای واحد و فشار بر روی کارگران معترض تلاش کرد، مبارزات آنان را عقب براند و سنديکای کارگران را به انحلال بکشاند، اما نتوانست. بدنبال این ماجراها انتخابات شوراهای فرمایشی کارفرمایی شرکت واحد که دست ساز حکومتی است، هر دوسال یکبار و آنهم با هزار کلک و توطئه با هماهنگی مدیریت و حراست انجام میشود، و همه تلاششان اینست که رانندگان و کارگران شرکت واحد را مجبور به شرکت در این انتخابات فرمایشی کنند. اما کارگران در برابر این تشبثات ایستاده و به تشکیل این نهادهای جاسوسی در محیط کار خود اعتراض دارند. اعتراضات این هفته کارگران شرکت واحد در برابر انتخابات برای شورای اسلامی کار و جمع آوری رای اجباری از رانندگان، حرکتی در ادامه این کشاکشها ست. از جمله کارگران توانستند انتخابات ضدکارگری شورای های اسلامی در سامانه های يك و نه را به انحلال بکشاند.

در جریان این اعتراضات مرتضی کمساری از اعضای این اتحادیه در روز ۲۴ خرداد در سامانه ۳ شرکت واحد که در حال برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی بودند، توسط نیروهای انتظامی دستگیر شد و همچنان در بازداشت قرار دارد. سنديکای شرکت واحد طی اطلاعیه ای دستگیری و برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی کار فرمایشی را تخلف اعلام کرده و خواستار تحت پیگرد قرار گرفتن عوامل دستگیر کننده مرتضی کمساری شده است. بساط شوراهای اسلامی و تمامی ارگانهای سرکوب حکومت باید از تمام مراکز کار جارو شود.

در محکومیت عمل شلیک شلاق زنی کارگران آق دره

در ادامه کارزار علیه اجرای حکم قرون وسطایی شلاق زنی علیه کارگران معدن آق دره تشکلهای انجمن صنفی کارگران چادرملو (آسفالت طوس)، انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان، انجمن

صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه، انجمن صنفی کارگران خبازی های مریوان و سروآباد طی بیانیه ای این عمل شنیع را که بنا بر قوانین جزای اسلامی و حامی سرمایه داران به اجرا در آمد، محکوم کرده اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما کارگران و تشکلهای کارگری امضا کننده این بیانیه ضمن اینکه همه کارگران را به اتحاد و همبستگی برای ایجاد تشکل مستقل سراسری کارگران فرامی خوانیم، صدور و اجرای احکام زندان و شلاق را برای فعالین کارگری و معلمان را قویا محکوم می کنیم و خواستار لغو هر چه سریع تر این احکام می باشیم و همراه و همسو با دیگر فعالین کارگری و معلمان خواهان برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده فعالین صنفی هستیم".

اعتراض علیه احکام شلاق هم اکنون به کارزاری علیه این قوانین ارتجاعی اسلامی تبدیل شده است. کارگران و مردم معترض به این بردگی تن نمیدهند.

اعتراضات کارگران شهرداری اهواز و بازداشت ۲۴ کارگر

روز ۲۷ خرداد کارگران پیمانکاری شهرداری اهواز با تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان شهرداری خواستار آزادی همکاران بازداشتی خود شد. در پی تجمع اعتراضی ۷۰ کارگر پیمانکاری شهرداری منطقه ۴ اهواز در ۲۴ خرداد ماه، ۲۴ نفر از کارگران بازداشت شدند و بنا بر آخرین خبر به زندان سپیدار منتقل شده اند. اعتراضی این کارگر به تعویق سه ماه دستمزدشان است. این کارگران بارها و بارها در وسط شهر اهواز تجمع کرده اند. اعتراضات پی در پی کارگران شهرداری اهواز در کنار دیگر اعتراضات کارگری در این منطقه آنچنان فضایی ایجاد کرده است که حکومت اسلامی از منطقه خوزستان و از جمله شهر اهواز به عنوان یکی از مناطق "بحرانی" کارگری سخن

میگوید. در رابطه با این موضوع صدها جلسه بحران تشکیل داده اند، ابلغیه داده و اعتصاب را ممنوع اعلام کرده اند، کارگران را به اخراج و دستگیری تهدید کرده اند، اما نتیجه آن گسترده شدن اعتراضات کارگری بوده است. و اکنون از سر استیصال ۲۴ کارگر شهرداری اهواز را دستگیر کرده اند. آخرین خبر ها حاکی از اینست که این کارگران همچنان در بازداشت به سر میبرند و قرار است برای تشکیل پرونده قضایی به دادگاه منتقل شوند. دستگیری ۲۴ کارگر شهرداری اهواز مورد دیگری از دستگیری کارگران تحت عنوان "اخلال در نظم" است. پاسخ این دستگیری ها گسترش اعتراضات کارگران و پیوستن به کارزار اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم جامعه در دفاع از معیشت و زندگیشان و برای يك زندگی بهتر است. به دستگیری ۲۴ کارگری شهرداری اهواز وسیعاً اعتراض کنیم.

اسامی ۱۹ نفر از کارگران بازداشت شده به قرار زیر است: ۱- منصور طرفی ۲- طاهای عفرای ۳- کاظم عفرای ۴- حسن حیدار ۵- حمید هوش ۶- کاظم مزرعه ۷- موسی سواری ۸- علی احملي فر ۹- عدنان مجدم ۱۰- حسین منصوري ۱۱- ناصر دجيمي ۱۲- علي بچيه ۱۳- جاسم پور احملي ۱۴- عبدالکریم ثعلبي ۱۵- سيد عدنان موسوي ۱۶- عبدالله سلیماني ۱۷- کاظم عفری ۱۸- حسن مجدم ۱۹- جواد سواری همچنین مطلع شدیم که با کمال تاسف اسماعیل شاوردی (خانفهره)، ۳۰ ساله، متأهل، کارگر شهرداری شادگان در استان خوزستان در بخش خدمات شهرداری روز جمعه ۷ خردادماه ۱۳۹۵ به دلیل عدم دریافت حدود ۶ ماه حقوق از شهرداری، اقدام به خودسوزی نمود و جان خود را از دست داد. جانباختن وی را به خانواده اش و به همگان تسلیت میگویم.

جانباختن اسماعیل شاوردی و دستگیری ۲۴ کارگر و آنچه بر سر کارگران شهرداری اهواز آمده است،



نتیجه آن بهشت امنی است که میکوشند برای سرمایه داران برپا کنند. وقتی کارگر اعتراض میکند و حق و حقوقش را میخواهد تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت" دستگیر و زندانی میشود. و این موضوع اعتراض کارگران و کل جامعه است.

اعتراضات کارگران معدن طرزه و خانواده هایشان

تجمع اعتراضی کارگران معدن طرزه و خانواده هایشان بخاطر واکناری مالکیت زمین های کوی سازمانی کارگران این مجتمع معدنی از خبر های داغ این هفته است. مساله به مسکن و معیشت این کارگران مربوط است و اعتراض کارگران به همراه خانواده هایشان انعکاس بسیاری به این حرکت داده است. البته پیشتر نیز از سوی شهرداری شاهرود برای گروهی از ساکنان این منطقه خطریه تخلیه فرستاده شده بود. اما بدنبال بلند شدن زمزمه های اعتراضی موقتا متوقف شده بود.

در ادامه این اعتراضات است که صبح روز ۲۵ خرداد، کارگران معدن طرزه برای دومین روز متوالی تجمعی در مقابل دفتر اداری معدن البرز شرقی داشتند و علاوه بر موضوع فروش زمین های کوی سازمانی به تعویق پرداخت ۲ ماه دستمزد و حق عیدی خود اعتراض کردند. در جریان این اعتراضات سه نفر از کارگران توسط نیروهای انتظامی بازداشت شدند. اما با ادامه اعتراض ۱۴۰۰ کارگر این معدن آنهم با وارد قضیه شدن خانواده ها و شرکت آنان در تجمع اعتراضی کارگران در روز ۲۳ خرداد، ناگزیر شدند که این سه کارگر را البته با قید وثیقه آزاد کنند. بعلاوه اینکه کارفرما وعده رسیدگی به خواستهای کارگران را داد. بدین ترتیب کارگران با خاتمه موقت تجمع اعتراضی خود

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

غذای خاوین در سندنجد ، و بیش از دو هفته تحصن کارگران بازنشسته کارخانه صنایع مخابراتی شیراز بخاطر طلبهایشان که در پی قول بازگشایی دوباره کارخانه و رسیدگی به خواستههایشان در "شورای تامین استان فارس" موقتا خاتمه یافت، از جمله خبرهای داغ اعتراضی در هفته گذشته است.

کارزار علیه امنیت کردن مبارزات کارگران و مردم و یک همبستگی پر شور

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات مردم در عرصه های مختلف با خواست مشخص لغو پرونده های مفتوحه برای کارگران، معلمان و کلیه فعالین سیاسی که با انتشار بیانیه ای از سوی جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری و اسماعیل عبلی از رهبران اعتراضات معلمان به راه افتاد، همچنان در جریان است. این کارزار با حمایت نسبتا خوبی در ایران و در سطح جهان روبرو شده است. در ادامه حمایت های تا کنونی، در این هفته نیز شاهد تجمعاتی از سوی جمع هایی از کارگران، معلمان به همراه خانواده جعفر عظیم زاده در حمایت از خواسته های وی در مقابل زندان اوین بودیم. همچنین جمعی از هیات دبیران و اعضا کانون نویسندگان ایران به نشانه همبستگی با جعفر عظیم زاده و خواسته های با خانواده وی دیدار کردند.

در خارج کشور نیز کارزار برای جلب حمایت از جعفر عظیم زاده و خواسته های او ادامه دارد. یک نمونه پرشور از این همبستگی، را در ۲۱ خرداد استرالیا داشتیم. در این روز نمایندگان اتحادیه های کارگری

اعلام داشتند که اگر پاسخ نگیرند به همراه خانواده هایشان در اشکالی گسترده تر به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. این اولین بار نیست که خانواده ها همراه با کارگران در دفاع از زندگی و معیشتشان وارد اعتراض میشوند و این اتفاقی است که هر روز بر مواردش اضافه میشود و خود یک پیشروی مهم در جنبش اعتراضی کارگری است. ۱۴۰۰ کارگر معدن طرزه به همراه خانواده هایشان نیروی بزرگی هستند که میتوانند جلوی تعرضات کارفرما را بگیرند و پیگیر دیگر خواسته هایشان چون افزایش سطح نازل دستمزدها و ایمنی محیط کارشان شوند و اجازه ندهند که برای کارگران معترض تحت عنوان "اخلال" پرونده قضایی تشکیل دهند و آنها را تحت پیگرد قرار دهند. پرونده های تشکیل شده برای سه کارگر بازداشتی باید فوراً لغو شود.

کارگران و تعطیلی بیش از ۶۰ درصد از صنایع و ۸۰ درصد از معادن

بنا بر آماری دولتی بیش از ۶۰ درصد از صنایع و ۸۰ درصد از معادن در ایران به دلیل به گل نشستن اقتصاد جامعه به تعطیلی کشیده شده است. و این تعطیل شدنها موجی از بیکارسازی ها همراه با پرداخت نکردن دستمزدها را در پی داشته است. در برابر این وضعیت، کارگران ساکت ننشسته و محیط های کار پر از اعتراض و مبارزه است. از همین رو اعتراض علیه بیکار سازیها و علیه تعویق پرداخت دستمزدها دو محور مهم اعتراضات کارگری است. اعتراضاتی که گسترده است و کارگران با اعلام اینکه کوتاه نمی

آیند، حق و حقوقشان را میخواهند. اعتراضاتی که هر روز در اشکال تعرضی تری اتفاق می افتد و بطور واقعی بر فضای سیاسی شهرها تاثیر میگذارند. از جمله در هفته ای که گذشت اعتراضات کارگران همراه با خانواده هایشان در معدن طرزه، تجمع اعتراضی کارگران اخراجی فولاد زاگرس در مقابل وزارت کار در تهران، تجمع اعتراضی کارگران اخراجی ارج مقابل درب کارخانه، تجمع اعتراضی کارگران در صنایع

در پاسخ به فراخوان کمک مالی به حزب

در پاسخ به فراخوان حزب برای یک کمپین ۵۰ هزار دلاری تاکنون مبلغ ۱۷۹۳۰ دلار جمع آوری شده است. هنوز ۳۲۰۷۰ دلار دیگر باقی مانده است که امیدواریم به همت دوستداران حزب و کانال جدید نه تنها این مبلغ بلکه خیلی بیشتر از این مبلغ جمع آوری شود.

با قدردانی از دوستانی که تاکنون به این فراخوان جواب داده اند: هفته دوم:

سیامک امجدی	۵۰ پوند
بابک یزدی	۵۰۰ دلار
صابر رحیمی	۵۰۰۰ کرون
داود رفاهی	۷۰ پوند
سیما بهاری	۵۰۰۰ کرون
هرمز و سارا	۵۰۰۰ کرون
رحیم یزدانپرست	۵۰۰۰ کرون
جمیل فرزاد	۵۰۰ کرون
شاهو پیرخضران	۵۰۰ کرون
دوستدار حزب	۱۰۰۰ کرون
مهین کابلی	۱۰۰ یورو
محسن ابراهیمی	۲۰ دلار
کمپته فرانکفورت	۷۵۰ یورو
تهمین تارا	۵۰ پوند
هیوا احمد	۱۰۰ پوند
تهمین گرشاسبی	۵۰ پوند
صحر	۵۰ پوند
شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه	۱۰۰ پوند
امید امیدوار	۱۲۳۰ پوند
ناهید فرید و علی یاور	۱۰۰۰ کرون
عباس زمانی	۱۰۰۰ کرون
فاضل نادری	۵۰۰ کرون
شیرین بهرامی	۵۰۰ کرون
واحد حزب در مالمو	۳۰۰۰ کرون
امیر زاهدی	۵۰ دلار
آرش ناصری	۵۰ دلار
سحر آزاد	۵۰ دلار
یلدی محمودی	۱۰۰ دلار
بهرام کلاه زری	۱۰۰ دلار
محمد و منیر کاظمی	۵۰۰ دلار
فاتح بهرامی	۲۰۰ دلار
عبدالعظیم ماتور	۲۰ یورو
کوروش نیکخواه	۲۰ یورو
شهلا خباززاده	۵۰ یورو
اسماعیل هدفمند	۳۰ یورو
مینا احمی و محمد آسنگران	۳۰۰ یورو
حبیب بکناش	۱۰۰ دلار
فروغ ارغوان	۵۰ دلار
مسعود فرزانه	۵۰ دلار
حسین احمی	۱۰۰ دلار

جمع کمک در هفته دوم ۹۰۰۰ دلار

جمع کمک در دو هفته گذشته ۱۷۹۳۰ دلار

استان New south Wales در استرالیا در نشست که در سالن اتحادیه های کارگری در سیدنی داشتند، حمایت و پشتیبانی خود را از جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی در ایران اعلام داشتند. شرکت کنندگان در این اجلاس با سر دادن شعارهای جعفر عظیم زاده آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار اخراج باید گردد صحنه پر شوری از همبستگی را به نمایش گذاشتند و در حالیکه عکس جعفر عظیم زاده را در دست داشتند، به نشانه همبستگی با وی و کارگران ایران عکس گرفتند. در سوئد نیز هیاتی از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی مرکب از فرامرز قربانی و هوشیار سروش با سازمان عفو بین المللی در استکهلم سوئد نشست داشته و در مورد وضعیت اضطراری جعفر عظیم زاده و خواسته های برحق وی اطلاع رسانی کردند. تماس هایی نیز از سوی داود آرام و مسعود ارزنگ اعضای این کمپین با اتحادیه کارگران پست در کانادا و با شورای اتحادیه های کارگری ونکور و حومه برقرار شده است که متن ترجمه شده نامه های حمایتی آنان به زودی منتشر خواهد شد. بعلاوه سازمان سراسری کارگران سوئد، ال او ، سندیکای کارگران حمل و نقل سوئد و اتحادیه کارگران خدمات کانادا در حمایت از جعفر عظیم زاده و... طی نامه هایی حمایت خود از جعفر عظیم زاده و خواسته های کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران اعلام داشتند. بعلاوه یک موضوع اعتراض اتحادیه های کارگری، اعتراض به اجرای احکام وحشیانه و قرون وسطایی شلاق بوده است. حمایت از این کارزار ادامه دارد.

متفاوت است. باید این اموال را منجمد کرد. تمام حسابهای سران رژیم در خارج کشور را باید منجمد کرد. این اموال حاصل کار و تلاش صاحبان آن نیست، محصول دزدی و چپاول و غارت اموال مردم در ایران است. حسابهای بانکی چند میلیارد دلاری سید خامنه ای و آقا محبتی تنها و تنها حاصل غارت اموال مردم فقر زده در ایران است.

رژیم تاوان تروریستی ...

از صفحه ۲

باید برچیده شود. برخی از دول غربی در پی اعمال سیاست تحریم اقتصادی اقدام به منجمد کردن حسابهای نفتی حکومت اسلامی کردند. این اقدام گوشه ای از یک اقدام ارتجاعی است، کوچکترین ارتباطی به آزادیخواهی و انسانگرایی ندارد.

اما تا آنجا که به اموال سران رژیم اسلامی بر میگرود، مساله کاملاً

آزادی زندانیان سیاسی با خواست مشخص ...

از صفحه ۲

اعتراضات هر روزه زندانیان سیاسی در داخل زندان، بیابانه دادنهای آنان رو به جامعه، درگیر شدنشان با مامورین زندان بر سر حق و حقوقشان و مقاومت در مقابل فشارهای درون زندانیم. در واقع میتوان گفت آنچه امروز در زندان میگردد ادامه مبارزاتی است که در خیابانها و در اعتراضات بخش های مختلف مردم، شاهدش هستیم. و همه این واقعیات حاکی از اینست که دیگر دوره زندان و سرکوب سپری شده است. به عبارتی دیگر در شرایطی که رژیم تلاش میکند سرکوب کند، زندان کند، تهدید کند، مبارزه برای گشودن درب زندانها هر روز شدت بیشتری میگیرد و این یعنی اینکه مردم دارند فریاد میزنند که دیگر اجازه نمیدهند که انسانهای مبارز و آزادیخواه راهی زندان شوند. مردم خوب میدانند که برای بزرگ کشیدن این حکومت باید در زندانها را شکست. باید فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را سر داد. و امروز مستقل از اینکه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی چگونه پیش رود و تا چه حد بطور بالفعل جریان یابد، زندانیان سیاسی در آذهان عمومی جامعه عزیزند و بحث در مورد آنان یک موضوع داغ است و اولین تصویری که از آزادی وجود دارد گشوده شدن در زندانهای سیاسی است.

در این میان نکته مهم اینست که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات مردم وارد فاز جدیدی شده است و خواست مشخص لغو پرونده های مفتوحه برای کارگران، معلمان و کلیه فعالین سیاسی همانطور که اشاره کردم، یک خواست مشخص در عرصه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است.

خصوصاً وقتی که کارگر بخاطر خواستههای برحقش، بخاطر مبارزه برای حق تشکل، حق اعتصاب و حقوق پایه ای خود راهی زندان میشود، وقتی که معلم را دستگیر میکنند چرا که به تبعیض و نابرابری معترض است و بر خواستههای خود، حق داشتن یک زندگی انسانی تاکید

میگنارد، و وقتی دانشجو را زندانی میکنند چون آزادی میخواهد، چون از فقر به ستوه آمده و زندگی ای انسانی میخواهد و چون به آپارتاید جنسی و به همه مظاهر عقب مانده قوانین اسلامی حاکم بر جامعه معترض است، مردم در این کشاکش هر روزه بیش از هر وقت خود را در تقابل با زندان و نهادهای سرکوب رژیم می بینند. همچنین زندان نیز هر روز بیشتر به محل اسارت رهبران و سخنگویان اعتراضات مردم و شخصیت های محبوب اجتماعی تبدیل میشود. و همه این دستگیری ها و پیگرد ها نیز تحت عناوینی چون اخلاص در نظم و امنیت ملی و اغتشاش و غیره صورت میگیرد. و اینها همه نشانگر زمینیه های اجتماعی رشد کارزار علیه امنیتی شدن مبارزات کارگران، معلمان و کل جامعه است.

طبعاً یک نکته مهم و قابل توجه در این کارزار اینست که رهبران قابل اعتماد مردم در هر عرصه ای باید تلاش کنند که مساله آزادی زندانیان سیاسی را به مساله آزادیهای بی قید و شرط سیاسی گره بزنند و پیوند گسست ناپذیر این دو را به هم نشان دهند. مردمی که انزجار خود را از خفقان و سرکوب و دستگیری و شکنجه به اشکال مختلف بیان میکنند، باید بی ابهام مدافع آزادی بی قید و شرط سیاسی باشند. باید قاطعانه و بدون هیچ تزلزل و ابهامی از آزادی بیان، آزادی اجتماع، آزادی مخالفت و انتقاد و آزادی عقیده و فکر دفاع کنند. باید در ادامه این مبارزه و با سرنگونی جمهوری اسلامی، دوره زندانهای سیاسی و سرکوب و خفقان را نیز یک بار برای همیشه پایان داد و جامعه ای سازمان داد که یک بند مهم قانون اساسی آن آزادی بی قید و شرط سیاسی است.

بویژه امروز که ما در شرایطی هستیم که جامعه در جنب و جوش اعتراضی است، توجه به امر آزادی های سیاسی و در قدم اول آزادی زندانیان سیاسی امری جدی، فوری و مهم است.

خلاصه کلام اینکه شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" فریاد

اعتراض جامعه ایست که سی و چند سال سرکوب و خفقان را متحمل شده است و این صدا دارد هر روز بلند تر و رساتر میشود. خواست لغو اتهامات امنیتی از پرونده فعالین کارگری، معلمان و کلیه فعالین سیاسی و پافشاری جعفر عظیم زاده بر این خواست، یک قدم مشخص در پیشبرد این خواست و اقدامی عملی برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی است.

ما خواهان پایان یافتن اعتصاب غذای جعفر هستیم
جعفر عظیم زاده از دهم اردیبهشت در اعتصاب غذاست و وضعیت او موجب نگرانی همگان شده است. دو نکته مهم در این میان وجود دارد. اولین نکته سلامتی خود و او و نیز فشاری که بر روی خانواده اش بخاطر وضعیت وخیم وی هست. در شرایطی که همه توجه ها به کارزار مبارزاتی حول بیانیه عظیم زاده - عبیدی در دفاع از آزادیهای پایه ای سیاسی و حقوق زندانیان سیاسی جلب شده است ما خواهان پایان فوری اعتصاب غذای او هستیم. ما پاسخ واقعی برای پیشبرد کارزاری که وی یکی از رهبرانست هست، را گسترش اعتراض در اشکال دیگر چون تجمع و اعتراض و شکل دادن به صف متحد کارگران و معلمان و مردم معترض حول خواستههایی میدانیم که او در بیانیه مشترکش با اسماعیل عبیدی اعلام کرده است و بطور واقعی خواستههای کل مردم است.

دوم اینکه ادامه اعتصاب غذا میتواند خواستههای مهم او و کارزاری که با خواست مشخص لغو اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین کارگری، معلمان و کلیه فعالین سیاسی با ابتکار وی و اسماعیل عبیدی جرقه اش از زندان زده شده و بطور واقعی کارزاری علیه فقر و بی حقوقی و برای یک زندگی بهتر است، را به حاشیه ببرد. و به جای ادامه و گسترش آن در بعدی اجتماعی و در اشکال دیگری چون تجمع و اعتراض و گردآوردن نیرو حول خواستههایش، اعتصاب غذا به عنوان شکلی از حمایت و پشتیبانی محوری شود و در نتیجه دامنه مبارزه در سطح اجتماعی آن محدود و محدود تر گردد. و این دیگر منفی

است.

بنابراین ما نیز همچون ۵ اتحادیه کارگری در فرانسه، همچون چهره های شناخته کارگری ای چون بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی که از زندان پیام دادند، به جعفر عظیم زاده اطمینان میدهم که پایان اعتصاب غذای وی، پایان این کارزار نیست، بلکه بعکس شروع دور جدیدی از پیشبرد این کارزار در اشکال قدرتمند تر و اجتماعی تر است. و از وی میخواهیم که به اعتصابش پایان دهد.

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی
۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی که به ابتکار کمیته

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی شکل گرفته است، در پیش است. ۲۰ ژوئن یک فرصت مهم برای اعلام حمایت جهانی از جعفر عظیم زاده و خواستههایش و از همه زندانیان سیاسی است.

۲۰ ژوئن فرصت مناسبی برای بدست گرفتن خواست لغو پرونده های امنیتی مفتوحه برای کارگران، معلمان و کلیه فعالین سیاسی است. ۲۰ ژوئن فرصت مناسبی است که با در دست گرفتن این خواست مهم، صدای اعتراض همه کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی در سطح جهان باشیم. وسیعاً به این روز بزرگ همبستگی بپیونیم.

جنایت تروریسم اسلامی در اورلاندو را قاطعانه محکوم میکنیم!

بار دیگر تروریسم اسلامی جنایتی هولناک آفرید. این بار اورلاندو (آمریکا) قربانی این جنایت تروریستی بود. عامل این فاجعه، عمر میر صدیق متین، که در طی تماسی با اورژانس محلی، در بامداد ۱۲ ژوئن، وفاداری خود به جریان تروریستی داعش را اعلام کرده بود، در یک حمله جنایتکارانه به باشگاه همجنسگرایان، ۴۹ نفر را کشته و بیش از ۵۰ نفر را مجروح کرد.

حزب کمونیست کارگری این کشتار وحشیانه اسلامیهستها در اورلاندو را بعنوان یک جنایت علیه بشریت و همجنسگرایان عمیقاً محکوم میکند. قلب ما با خانواده ها و بازماندگان قربانیان و زخمی شدگان است.

این اقدام وحشیانه اسلامیهستها گوشه ای از فاجعه و جنگ تروریستی است که جریانات اسلام سیاسی و دولتهای مرتجع میلپتارستی بر مردم تحمیل کرده اند. این اقدام وحشیانه در عین حال بعنوان ابزاری در دست مرتجع ترین جریانات حکومتی در آمریکا و غرب برای گسترش عملیات میلپتارستی و محدود کردن آزادیهای مدنی و فردی در جامعه عمل خواهد کرد.

باید بشریت را از شر هر نوع تروریسمی، اعم از تروریسم اسلامی و دولتی، خلاص کرد. و ما باز تاکید میکنیم که این تنها کار بشریت متمن و نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و کمونیسم کارگری است. پاسخ ما تلاش برای استقرار جوامعی آزاد و برابر و مرفه انسانی است، جوامعی که جان و حرمت انسان عزیز است، جوامعی که عاری از هر نوع تعصب کور و ضد انسانی و نژادپرستانه، جوامعی که عاری از فقر و فلاکت و نابرابری و محرومیت است.

فراخوان ما به مردم این است که به میدان بیایند. باید دنیا را خود در دست بگیرند. باید جهان را از شر تروریسم اسلامی و دولتی خلاص کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ ژوئن ۲۰۱۶

یک قتل عام تروریستی و یک دنیا تحلیل



کیوان جاوید

عمر میرصدیق متین بدنییا آمده در آمریکا و از یک خانواده افغانستانی روز یکشنبه ۱۲ ژوئن ۲۰۱۶ در یک حمله وحشیانه تروریستی جان ۴۹ همجنسگرا را در اورلاندو آمریکا گرفت و بیش از ۵۰ نفر را مجروح کرد. او نیز در این واقعه کشته شد. بعد از انعکاس این خبر در سطح جهان تحلیل ها شروع شده است. مروری بر تحلیل ها می کنیم:

- ۱- باراک اوباما این حمله را عملی تروریستی خواند که ریشه در نفرت داشته است.
- ۲- یکی از مقامهای پلیس فدرال آمریکا گفته که به نظر می آید مظنون به گروههای تندروی اسلامی تمایل داشته است.
- ۳- میرصدیق، پدر عمر متین

گفته که پسرش به دلایل مذهبی این کار را نکرده و تصور می کند او به خاطر عقاید ضد همجنسگرایی که داشته به این کلوب حمله کرده است.

۴- همسر سابق عمر متین می گوید او بی ثبات و بیمار روانی بود.

۵- داعش او را یکی از "رزمندگان داعش" دانسته است.

همه تفاسیر و تحلیل های ذکر شده می تواند تنها گوشه ای از واقعیت باشد اما ریشه و اساس این تروریسم نه اسلام است نه عقاید مذهبی و نه صرفا ریشه در نفرت از همجنسگرایان دارد. همه اینها محصول جانبی این کشتار است. دشوار نیست تا بدانیم همه مذاهب تاریخ اندیش، ضد زن و ضد همجنسگرایان اند. دشوار نیست تا بدانیم، مذهب ضد علم و پیشرفت، و ضد تفکر و نقد است. مذاهب و از

جمله اسلام مظهر جمود و انقیاد ذهنی است. تاریخ مذاهب با جهالت و ارتجاع عجین شده است. اگر مذهب در اروپا و خاورمیانه در شکل عملکرد متفاوتی دارد، این حاصل مهار یکی در اروپا و افسار گسیختگی آن یکی در خاورمیانه است. بخش اعظم تاریخ مسیحیت در همه جهان همچون تاریخ اسلام از بدو پیدایش آن تا امروز با کشتار آزاد اندیشان و بی خدایان عجین شده است.

جنایت اخیر در آمریکا ریشه در جنبشی سیاسی دارد که از عراق و سوریه و ایران و در بخشی از آفریقا فعال است. این جنبش با کشتار و ارباب سهم خود را از ثروت و قدرت طلب می کند. این جنبش محصول مستقیم دین اسلام نیست. محصول

بکارگیری اسلام در سیاست است. محصول روی کار آمدن جمهوری اسلامی توسط دول اروپایی و آمریکا در نشست گوادلوپ در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ است.

ویروس مذهب در حالت عادی بخودی خود نمی تواند در این دنیای پیشرفته در این سطح گسترده شود، بچرخد و جنایت کند. داعش نه محصول غور و بررسی مشتبی مسلمانان از گور برخاسته در متون قدیمی اسلامی، که دستپخت شیوخ عربستان و دولت اسلامی ترکیه و شکست نظامی و سیاسی دولت آمریکا در عراق و محصول غیر مستقیم ایجاد القاعده توسط دولتهای آمریکا و پاکستان است.

با از بین بردن جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی، این تروریسم

نمی تواند باز تکثیر شده و دست به کشتار و جنایت بزند. کاری که بشریت با مسیحیت، کلیسا و کشتیب در انقلاب کبیر فرانسه انجام داده باید در مورد اسلام و مسجد و آخوند تکرار شود. جامعه آزاد و برابر و مرفه بزرگترین قدرتی است که ماتب شیوع و تولید این طاعون ضد بشری می شود. دست مذهب باید از دولت و قدرت سیاسی کوتاه گردد. عملی که دولت های سرمایه داری حاکم بر جهان سخت با آن مخالف اند اما بشریت متمنن چاره ای جز این ندارد.

بیانیه جمعی چهره های بین المللی، اساتید دانشگاه و فعالین سیاسی و اجتماعی در همبستگی با کارگران در ایران

برد هورنیک، دانشجوی دکترای دانشگاه سایمون فریزر، فعال تغییر سیستم و نه تغییر آب و هوا
بوریس کاکارالیستسکی، جامعه شناس و تئورسین مارکسیست، مسئول انستیتو گلوبالیزاسیون و جنبشهای اجتماعی
مایکل لیپوویتز، پرفسور بازنشسته دانشکده اقتصاد دانشگاه سیمون فریزر - کانادا
دیوید مک نالی (David Mc Nally) پروفیسور دانشکده علوم سیاسی دانشگاه یورک
دیرک اوکیفی، نویسنده، ژورنالیست و ادیتور رسانه ریکوچت

شلاق يك عمل به شدت بی رحمانه و نوعی شکنجه است و باید بلافاصله متوقف و ممنوع شود. ما عمیقاً نگران سلامتی و تندرستی جعفر عظیم زاده و دیگر کارگران زندانی در ایران و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها می باشیم. حکومت ایران مسئول مستقیم جان جعفر عظیم زاده و دیگر زندانیان سیاسی می باشد. در عین حال، ما صمیمانه از جعفر عظیم زاده درخواست می کنیم که به اعتصاب غذایش پایان دهد؛ مبارزه برای حقوق کارگران زمانی قدرتمندتر است که فعالین جنبش کارگری زنده و سالم باشند.

اطلاعات موجود در اسناد ضمیمه که بدستمان رسیده، ما را بر آن میدارد که به حکم شلاق بر علیه کارگران معدن طلای آق دره در ایران اعتراض کنیم، و همچنین ابراز داریم که شدیداً نگران سلامت و تندرستی آقای جعفر عظیم زاده، فعال کارگری ضد سرمایه داری و رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، که از تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ در اعتصاب غذا بسر میبرد، می باشیم.

جعفر عظیم زاده از نوامبر ۲۰۱۵ برای گذراندن حکم شش سال حبس تعزیری به اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" که به دلیل فعالیتهای کارگری ایشان بوده است، در زندان اوین محبوس است؛ این به نظر می رسد یکی از اتهامات اصلی ای است که دولت ایران بطور روتین علیه فعالین کارگری بکار می برد. جعفر در اعتراض به اتهام ساختگی "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" و دیگر اتهامات امنیتی علیه او و دیگر فعالین کارگری و در محکومیت سیاستهای ضد کارگری روزافزون دولت ایران در یک اعتصاب غذای نامحدود به سر می برد.

همانطور که در بالا ذکر شد، ما شدیداً از احکام وحشیانه شلاق علیه ۱۷ کارگر معدن طلای آق دره که در ایران به طور علنی در ماه می ۲۰۱۶ انجام شد، خشمگین هستیم. این کارگران برای امنیت شغلی و بر علیه بیکارسازیها دست به اعتراض زده بودند. همچنین مطلع شده ایم که ۹ نفر از کارگران معدن سنگ آهن بافق واقع در استان یزد نیز به ضربات شلاق و حبسهای تعلیقی محکوم شده اند. کارگران معدن بافق (شرکت سنگ آهن مرکزی ایران- بافق) به دلیل اعتصابات و اعتراضاتی که از سال ۲۰۱۴ آغاز شد دادگاهی شده بودند. چنین احکام ضدانسانی ای علیه کارگران معترض نقض فاحش کلیه موازنه نامه ها و دستاوردهای شناخته شده بین المللی در رابطه با حقوق کارگری و حقوق انسانی بطور علی العموم می باشد.

پیرجورجیو مورو (Piergiorgio/Pier)Moro
دیرابراتاطات کارگری آسیا و استرالیا
لئو پانیچ (Leo Panitch) رئیس محققان کانادا در اقتصادسیاسی مقایسه ای و پروفیسور محقق ممتاز علوم سیاسی از دانشگاه یورک و ویرایشگر سوسیالیست ریجستر
مایک پالک، پرنسپل کشور اتحادیه کارگران پست کانادا
لئو پانیتچ، پرفیسور متشخص تحقیقاتی علوم سیاسی در دانشگاه یورک و ادیتور "سوسیالیست ریجستر"
میثاق پارسا، پرفیسور جامعه شناسی، دانشکده دارتمورت - آمریکا
هرمان روزنفلد (Herman Rosenfeld) نویسنده، مدرس و فعال عضو پروژه سوسیالیستی
اینگو اشید، هماهنگ کننده آکادمیک برنامه مطالعاتی کارگری در دانشگاه آتاباسکا، کانادا
پیتر تاتچل، هماهنگ کننده بنیاد پیتر تاتچل
مایکل یتنس، همکار سردبیر نشریه مانتلی ریویو

(اسامی به ترتیب الفبا)، همراه با سمت و عنوان سازمانی:
گرگ آلبو (Greg Albo) دانشکده علوم سیاسی دانشگاه یورک و یکی از ویرایشگران نشریه سوسیالیست ریجستر
کوین ب. اندرسون (Kevin.B.Anderson) پ روفیسور علوم اجتماعی از دانشگاه کالیفرنیا سالتا باربارا
سیروس بینا (Syrus Bina) پروفیسور محقق ممتاز اقتصاد دانشگاه مینوسیتای آمریکا و اقتصاددان صلح و امنیت
نوام چامسکی (Noam Chomsky) انستیتو پروفیسور، پروفیسور زبان شناسی دانشگاه MIT
جان کلارک (John Clarke) سازماندهنده ائتلاف علیه فقر. انتاریو- کانادا
استیو ارلی، فعال کارگری، ژورنالیست، حقوقدان و سازمانده - آمریکا
بیل فلچر جونبور، برنامه ساز رادیویی، نویسنده و فعال سیاسی
سفیه گاهایر (Safia Gahayr) رئیس کمیته همبستگی بین المللی. کیو انتاریو
سام گین دین (Sam Gindin) معاون بازنشسته رئیس کارگران اتومبیل کانادا و مسئول سابق عدالت اجتماعی در دانشگاه یورک

کنگره جهانی علیه اعدام و بررسی چند پرونده ریحانه جباری، زینب جلالیان، سامان نسیم، رضا حسینی



سبعیت تمام گرفتند.

زینب جلالیان

زینب جلالیان متولد ۱۳۶۱ در ماکو فعال سیاسی از کردستان ایران در سال ۱۳۸۸ دستگیر و زندانی شده است. زینب به اعدام محکوم شده و در بدترین شرایط روحی و جسمی در زندان بوده و در خطر از دست دادن بینایی است. حکم اعدام او در سال ۱۳۹۰ به ابد تقلیل یافت.

پرونده زینب، پرونده زنان و مردانی است که به فعالیت سیاسی و یا مسلحانه علیه حکومت اسلامی دست زده و در دادگاههای چند دقیقه ای به اعدام محکوم شده و در زندانها آنها را تا پای مرگ شکنجه کرده و ذره ذره آنها را آب میکنند.

سامان نسیم محکوم به

اعدام نوجوان

سامان نسیم متولد ۲۹ شهریور ۱۳۷۳ است در زمان دستگیری به سن قانونی نرسیده بود در دادگاه انقلاب مهلباد به اعدام محکوم شد و دیوان عالی حکومت اسلامی این حکم را تأیید کرد. سامان نسیم را بارها تا پای چوبه دار برده اند و مدتها خانواده اش فکر میکردند او را اعدام کرده اند، رفتار حکومت اسلامی با زندانیان نوجوان و کودک و رفتار با خانواده ها در این پرونده مورد بازبینی قرار میگیرد.

رضا حسینی متهم مواد مخدري که اعدام شد!

رضا حسینی ۳۴ ساله اهل کوهدشت لرستان سه شنبه ۳ ماه مه ۲۰۱۶ در قزل حصار اعدام شد. او متهم مواد مخدري بود. به او اجازه ملاقات با همسر و خانواده اش را ندادند و سبانه به همراه سه نفر دیگر اعدام شد. او

که فرزندان آنها را کشتند، صدای دادخواهی مردم ایران را بگوش جهانیان برسانیم. کنگره جهانی علیه اعدام فرصتی است گرانبها برای معرفی کردن جنبش قدرتمند و انسان دوستانه علیه اعدام در ایران!

پرونده هایی که ما خواهان بررسی کارشناسانه آنها شده ایم عبارتند از پرونده ریحانه جباری، زینب جلالیان، سامان نسیم، رضا حسینی

ریحانه جباری

پرونده اعدام ریحانه جباری دختر جوانی که به اتهام قتل یکی از وابستگان حکومت اسلامی ایران به اسم سریندی دستگیر شد و به موضوع قتل، حضور افراد دیگر در محل حادثه، و بررسی کارشناسانه و دقیق این پرونده، هیچ نهادی از حکومت اسلامی نپرداخت و بر عکس از همان روز اول، ریحانه را قاتل معرفی کرده و او را تحت شکنجه و فشار روحی و جسمی فراوان گذاشته و در نهایت او را اعدام کردند. پرونده ریحانه، یک نمونه از سرگذشت زنانی هست که در ایران در جریان دفاع از خود در مقابل تعرض جنسی یک مرد، متهم به قتل شده اند، ریحانه در عین حال از طرف یک وابسته و یک مهره حکومت اسلامی، مورد تعرض قرار گرفته بود و از خود دفاع کرده بود. بررسی یک پرونده که میتواند نورافکن را روی نقش قوه قضاییه حکومت اسلامی، نقش وزارت اطلاعات، زندان و شکنجه و حتی رسانه های حکومتی و سازمانهای به اصطلاح حقوق بشری و دست ساز حکومت اسلامی بیاندازد که علیه متهم فضا سازی کرده و بدون رعایت کوچکترین نرم و استاندارد بین المللی، در نهایت زندگی یک زن جوان در ایران را با

از روزهای ۲۱ تا ۲۳ ژوئن شهر اسلو میزبان ۱۳۰۰ نفر از سراسر جهان برای حضور در کنگره جهانی علیه اعدام است. این کنگره از سال ۲۰۰۱ تاکنون هر سه سال یکبار تشکیل میشود. در سال ۲۰۰۱ در استراسبورگ، ۲۰۰۴ مونترآل، ۲۰۰۷ پاریس، ۲۰۱۰ ژنو و در سال ۲۰۱۳ در مادرید اسپانیا بود

نمایندگان کمیته بین المللی علیه اعدام در کنگره های ژنو و مادرید شرکت و سخنرانی کردند و اکنون یک هیئت از کمیته بین المللی علیه اعدام در این کنگره در اسلو حضور خواهد داشت.

کمیته علیه اعدام تقاضا کرد که در حضور وکلا و کارشناسان این کنگره در مورد چند پرونده از ایران صحبت شود که با این درخواست موافقت شده و روز ۲۳ ماه ژوئن قرار است در یک نشست در مورد این پرونده ها بحث و گفتگو شود.

اگر دنیا عادی بود، پرونده هزاران اعدامی در ایران که اسناد غیر قابل انکار جنایت علیه بشریت هستند، امروز باید در نهادهای بین المللی مورد بررسی و بازبینی قرار میگرفت و عاملین و آمرین این جنایات محاکمه و مجازات میشدند. دنیا عادی نیست و حتی نهادهای علیه اعدام و مدافع حقوق انسان نیز، در این دنیای وانفسان نمیتوانند آنگونه که باید و شاید، حکومتها را تحت فشار گذاشته و از جنبش دادخواهی در این کشورها و از جمله ایران دفاع بکنند. ما با تلاش فراوان توانستیم در کنگره جهانی علیه اعدام فرصتی یافته و این پرونده ها را مطرح کنیم. امیدواریم بتوانیم در برنامه های سه روزه کنگره جهانی علیه اعدام به طرق گوناگون، صدای مادران و پدرانی

ایران علیه متهمین مواد مخدري است جوانانی که لشکر ذخیره اعدامیها در ایران هستند و در بدترین شرایط و با تحقیر آمیز ترین رفتار آنها را دسته دسته میکنند.

مینا احدی چهره سرشناس مبارزه با اعدام همچون وکیل محکومین به اعدام و اعدام شدگان، وکیل خانواده هایی که عزیزان آنها به دست حکومت اسلامی اعدام شده اند، به همراه یک تیم از کمیته بین المللی علیه اعدام در این کنگره حضور می یابد و همه این فعالین علیه اعدام در نظر دارند، صدای دادخواهی مردم ایران را در اسلو و در این کنگره مهم بین المللی طنین افکن کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۵ خرداد ۱۳۹۵

یکی از هزاران نفر اعدامی مواد مخدري در ایران است که باید توجه دنیا به آنها بیش از پیش جلب شود. او یک نمونه بسیار روشن از جوانانی است که به اتهام مواد مخدري روزانه در ایران اعدام میشوند. اینها حتی شانس بخشیده شدن در پای چوبه دار را ندارند چون شاکسی خصوصی اینها حکومت است و برخلاف مردمی که عزیزان خود را از دست داده اند و بارها در پای چوبه دار محکوم به اعدام را می بخشند، کسی اینها را نمی بخشد. او شکنجه شده و ۱۱ ماه ملاقات نداشته و با فریبکاری به او گفته اند، اتهام را بپذیر بعدا ترا می بخشیم و سپس اعدامش کردند. قاضی به او میگوید اگر بی گناه باشی به بهشت میروی و راحت این جوان را کشتند.

بررسی پرونده رضا حسینی، روشن کردن ابعاد قتل عمد در

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود